

ماندگار

ادارات موازی باعث بیکاری مخفی، فساد و کاغذپرانی شده است

تیم ملی فوتبال را نجات دهید



کنار رفتن یوسف کارگر سرمربی کهنه‌کار و محبوب تیم ملی فوتبال افغانستان، عمده‌ترین دلیل شکست‌های پی‌هم این تیم در بازی‌های اخیر می‌باشد. یوسف کارگر برای تیم ملی افغانستان دست‌آوردهای چشم‌گیری داشت. او تیم ملی افغانستان را «جهانی» ساخت. برای نخستین بار در نتیجه زحمات و تلاش‌های شباروزی او بود که افغانستان صاحب یک جایزه معتبر فیفا شد. او شناخت کاملی از بازیکنان تیم ملی داشت و یک ترکیب مناسب و موثر را در این تیم ساخته بود

«همین اکنون هم رییس‌جمهور و هم رییس اجرایی مشاورین متعددی را مقرر کرده‌اند. با شناختی که من از آقای غنی و عبدالله دارم، آن‌ها در هیچ زمینه‌یی با این مشاورین مشوره نخواهند کرد؛ شاید همین مشاورین هم در پی این باشند تا واسطه پیدا کنند و شخص اول را ببینند!»



«حکومت وحدت ملی» و شهکار «دولت سرپرستی»!



هنوز سروصدای حضور پُررنگ نظام سرپرستی در دو قوه مجریه و قضاییه نخواستیده که باید ذهن‌ها را برای نخستین نظام سرپرستی در قوه مقننه کشور آماده کرد. حالا دیگر از برکت حکومت وحدت ملی، باید شاهد ظهور دولتی سرپرستی باشیم که در آن نه تنها برخی از اعضای کابینه آن همچنان سرپرست چوکی خود به شمار می‌روند، بلکه اعضای دادگاه عالی آن به عنوان عالی‌ترین رکن قضایی کشور از یک‌سو، و اعضای مجلس نمایندگان به عنوان عمده‌ترین رکن تقنینی آن هم با کرسی‌هایی که بر آن برچسب «سرپرستی» زده شده است، دولت را لنگان‌لنگان به پیش می‌برند. سرپرستی شدن کار مجلس نمایندگان، همان مرجع دانستن «بد» از «بدر» و یا به اصطلاح دفع افسد به فاسد است. با توجه به اصل تفکیک قوا که از شالوده‌های هر نظام دموکراتیک است، حضور و استمرار سه قوه مستقل، از پیش‌نیازهای تحقق یک دولت مبتنی بر دموکراسی است. در نتیجه نمی‌توان در دولت کنونی افغانستان هم بدون موجودیت بازوی تقنینی، دولت دموکراتیکی متصور شد. به این ترتیب باید گفت که تداوم دوره مجلس کنونی با همه‌ا ما و اگرهای حقوقی‌یی که دارد، از نظر سیاسی از سر ناگزیری یک ضرورت غیرقابل انکار است

پنجاهون ۱۶۰ میلیون دالری افغانستان افتتاح می‌شود

کارمند را دارد. سه سالن پذیرایی با گنجایش ۱۰۰۰ تن و یک سالن کنفرانس با گنجایش ۹۰۰ تن را در آن تعبیه کرده‌اند. این مجتمع همچنین شامل سالن ورزش، کلینیک و دادگاه‌های نظامی می‌شود. طرح این ساختمان به رقابت گذاشته شده بود و نهایتاً دو طرح برتر با یکدیگر ترکیب شد و طراحی داخلی آن نیز چهار سال زمان برد. در مجموع حدود ۷۰ تن اسباب و وسایل و نیز تجهیزات کامپیوتری و لوازم جانبی با هزینه ۳۳ میلیون و ۳۰۰ هزار دالری که به صورت جداگانه از پول وام‌دهنده‌گان امریکایی تامین شد، به این امر اختصاص یافت. همینطور تکنولوژی اطلاع‌رسانی این ساختمان هم ۱۲ میلیون دالر دیگر هزینه بر جای گذاشته است. در این ساختمان جای دست‌کم یک عنصر اساسی خالی است: وزیر دفاع. اشرف غنی، رییس‌جمهوری افغانستان ۹ ماه پس از روی کار آمدن هنوز نتوانسته است جای این پست را پر کند. غنی امید دارد تا چهارمین فرد منتخب وی سرانجام بتواند اواخر ماه جاری که زمان افتتاح ساختمان جدید وزارت دفاع است، از پارلمان رای اعتماد بگیرد.

نوساز یک دنیا با خطوط مقدم نبرد در جنگ ناتمام افغانستان فاصله دارد؛ جایی که سربازان در ایست‌های بازرسی به شدت به پولیس و نیروهای محلی وابسته هستند و ماه اپریل تنگناهای لجستیکی به اشغال یک شهر مهم شمالی افغانستان به دست شبه‌نظامیان ختم شد. در جریان بازدید از این ساختمان مقام‌های امریکایی گفتند که وزارت دفاع جدید افغانستان ۱۶۰ میلیون دالر هزینه داشته است و به ارتش این کشور در انجام عملیات‌ها کمک می‌کند و علاوه بر آن برای مقابله موثر با طالبان آن هم در شرایطی که ماموریت‌های جنگی آمریکا و ناتو رسماً در افغانستان به پایان رسیده است، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این ساختمان پنج طبقه با گنبد ۳۴ متری، گنجایش ۲۵۰۰



ساختمان مرمی سفیدرنگی در قلب پایتخت افغانستان قرار دارد که با پول امریکایی‌ها ساخته شده تا مقر ارتش مدرن باشد. این مجتمع که بیش از ۱۰ سال از زمان آغاز ساخت آن می‌گذرد، به نام «مینی پنتاگون» شناخته می‌شود. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، اما این ساختمان

در برگ‌ها



روزهای دشوار رییس‌جمهوری و مجلس

پایان بازی



فلمی در آن واحد هوشمندانه و احماقانه

مسی: هرچه دارم از بارسلونا دارم



احمد عمران

روزهای دشوار رییس‌جمهوری و مجلس



مشکلات موجود در ادارات دولتی داشته باشد، ناشی از وضعیت خود مجلس است. مجلس نماینده‌گان به این شکل تلاش دارد که ضرورت و موجودیت خود را به اثبات برساند تا اگر فردا از جانب رییس‌جمهوری با مشکلی روبه‌رو شود، از گزینه‌های نیرومندتر در برابر قوه اجرائیه استفاده کند.

اعضای مجلس نماینده‌گان می‌دانند که نبود قوه مقننه در وضعیت شکننده سیاسی افغانستان، افاده‌های زیادی را ممکن است تداعی کند که به نفع رییس‌جمهوری نیست. از جمله این تداعی‌ها یکی هم حرکت به سمت تمامیت‌خواهی از سوی رییس‌جمهوری خواهد بود. اگر قوه مقننه زیر هر نامی تعطیل شود، این گمانه قوت می‌گیرد که رییس‌جمهوری تماماً نخواست که انتخابات پارلمانی برگزار شود و مجلس تازه در زمان معین آن به کار خود آغاز کند.

در انتخابات گذشته پارلمانی، مشکلی مشابه به مشکل فعلی مجلس بروز کرد، اما در آن زمان کسی به مشکل مشروعیت مجلس اشاره نکرد. چرا؟! چون همه چشم‌ها به انتخابات دوخته شده بود و رییس‌جمهوری وقت به‌ساده‌گی می‌توانست خود را از مخمصه ایجاد شده بیرون کند. اما این بار مشکلی که به وجود آمده، ناشی از آن است که هنوز هیچ اقدامی برای برگزاری انتخابات صورت نگرفته است. تقصیر این وضعیت قبل از این‌که به دوش نهادهای انتخاباتی و یا مجلس نماینده‌گان باشد، به دوش ریاست‌جمهوری و ریاست‌اجرائیه است که نتوانستند شرایط لازم را برای ایجاد اصلاحات و برگزاری انتخابات فراهم کنند.

رییس‌جمهوری که از آغاز کار تا اکنون به گونه‌هایی بر قانون‌گرایی و اجرای قانون تأکید دارد، به‌ساده‌گی به مهم‌ترین شکننده قانون نیز مبدل شده است. این موضوع می‌تواند مستمسک خوبی در دست اعضای مجلس برای ادامه کار آن باشد، به گونه‌ی که رییس‌جمهوری را به تمکین وادارد.

است. یکی از سخنگویان رییس‌جمهوری در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید ورزید که برای حل مشکل مجلس نماینده‌گان، رییس‌جمهوری خواهان موضع‌گیری دادگاه عالی شده است. این به معنای آن است که ریاست‌جمهوری، خلاف نظر رییس‌مجلس و برخی اعضای آن، در ادامه کار مجلس اشکال می‌بیند و تلاش دارد برایش گریزگاه قانونی پیدا کند. گریزگاه قانونی پیدا کردن نیز در کشوری مثل افغانستان که می‌توان با قانون هرگونه که دل دولت‌مردان خواست برخورد کرد، کار سختی نیست. به همین دلیل، شاید معاون سخنگوی رییس‌جمهوری با اطمینان می‌گفت که به‌زودی بر اساس قانون و شرع، برای این مشکل راه‌حل پیدا می‌شود.

اما فراموش نکنیم که هر راه‌حلی هم برای اعضای مجلس قابل قبول نیست و اگر آن‌ها راه‌حل رییس‌جمهوری را چندان با منافع خود سازگار ندانند، شاید در برابر آن ایستاده‌گی کنند؛ چیزی که اگر به وقوع بپیوندد، می‌تواند افغانستان را با بن‌بست تازه سیاسی مواجه سازد.

اعضای مجلس به‌آسانی تن به هر راه‌حلی نمی‌دهند و به همین دلیل رییس‌جمهوری می‌داند که باید راه‌حلش برای اعضای مجلس قناعت‌بخش باشد. ولی از جانب دیگر، اعضای مجلس نیز هراس‌های خود را از قضیه دارند. هر چند در حال حاضر، استدلال رییس‌مجلس منطقی و قانونی می‌نماید، اما رییس‌جمهوری با توجه به صلاحیت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد، می‌تواند به‌ساده‌گی راه‌حلی را ارایه دهد که مطابق خواست اعضای مجلس نباشد. به همین دلیل، دو طرف مسئله به اجماع سیاسی نیز فکر کرده‌اند.

اعضای مجلس از نوعی اجماع سیاسی که ادامه کار آن‌ها را بدون محدودیت ضمانت کند، استقبال می‌کنند و بدون تردید تلاش خواهند کرد که زیاد مخل فعالیت‌های قوه مجریه نشوند، ولی تا آن زمان (رسیدن به اجماع سیاسی) باید فشارها بر قوه مجریه ادامه یابد. به نظر می‌رسد استجواب‌های کنونی مجلس، پیش از آن‌که ریشه در دغدغه‌ها و

در این روزها فضای مجلس چندان صمیمانه نمی‌نماید. نماینده‌گان اکثر اعضاء و ناراحت به نظر می‌رسند. گاهی وزیری را به مجلس فرا می‌خوانند و با او به جدل‌های سخت مشغول می‌شوند: «چرا کارها خوب پیش نمی‌روند؟ چرا مشکلات حل نمی‌شوند؟» وزیر هم که تازه به وزارت رفته، نمی‌داند تقصیر را به گردن چه کسی بیندازد؛ به گردن وزیر پیشین یا حکومت پیشین؟

ادب حکم نمی‌کند که حرف‌هایی گفته شود که از آن بوی تند فراقکتی و انتقاد از گذشته به مشام برسد، ولی گاهی چنین می‌شود. وزیر مبارزه با مواد مخدر که به مجلس فرا خوانده شده بود، با چنان وضعیتی روبه‌رو شد که مجبوراً به مقابله به مثل پرداخت. او نام‌های کسانی را که از داخل مجلس از او چیزهایی پرسیده بودند، در هنگام پاسخ گفتن گرفت و به این شکل، مشخص ساخت که شمار زیادی که او را سوال پیچ کرده بودند، برای شنیدن پاسخ حضور ندارند. وزیر معارف هم که به مجلس فرا خوانده شده بود، به گونه مستقیم از مشکلات سخن گفت و وضعیت نابسامان معارف را نتیجه کارکرد گذشته‌گان دانست.

این وضعیت، تازه می‌نماید. در گذشته دیده نشده بود که وزیران به‌محض تصدی سمت‌هایشان، بلافاصله استجواب شوند. گویا نماینده‌گان درد دیگری دارند و ناراحتی‌شان از جای دیگری است. چند روز دیگر به شروع ماه سرطان بیشتر باقی نمانده و در آغاز این ماه، زمان پنج‌ساله کاری مجلس نماینده‌گان به پایان می‌رسد. بخشی از جنجال‌های مجلس، معطوف به این مسئله است. رییس‌مجلس نماینده‌گان به این نظر است که مجلس مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد؛ پس هیچ نیازی نیست که تا زمان آغاز به کار مجلس دیگر، این مشروعیت زیر سوال برده شود.

این سخنان دقیقاً در واکنش به اظهارات ریاست‌جمهوری مطرح می‌شوند که پیش از این گفته بود رییس‌جمهوری در تلاش یافتن راه‌حل قانونی برای پایان دوره کاری مجلس

سخن‌ماندگار

مبارزه با تروریسم

و سیاست‌گذاری رسانه‌ی

روز پنج‌شنبه هفته گذشته، نشست مشترک آگاهان امور رسانه‌ی افغانستان و ترکیه زیر عنوان «تروریسم و رسانه‌ها» در کابل برگزار شد. اشتراک‌کننده‌گان در این نشست، روی محورهای مختلف مسأله به بحث پرداخته و تأکید کردند که نباید رسانه‌های کشور مورد استفاده تروریستان قرار گیرند و یا هم رسانه‌ها خدمت‌گزار گروه‌های دهشت‌افکن و تروریست باشند.

کارشناسان داخلی و ترکی، نکات مشترکی را مطرح کردند و راهکارهایی را به‌هدف از میان برداشتن چالش‌های پیش روی مسأله در میان گذاشتند. این نشست در حالی در کابل برگزار شده است که نشر خبرهای مربوط به طالب و داعش در برخی از رسانه‌ها، به گونه جدی مورد توجه قرار گرفته است. رسانه‌هایی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه برای طالب و داعش کار می‌کنند؛ زیرا افرادی با فکر طالبانی و افراطی بر برخی از رسانه‌ها سلطه یافته‌اند و برنامه‌های سیاسی و گزارش‌های خبری را به نفع دشمنان نظام و مردم افغانستان تنظیم می‌کنند.

از طرف دیگر، با گذشت یک‌ونیم دهه از شکل‌گیری نظامی با شعار دموکراسی و مبارزه با تروریسم، هنوز دولت افغانستان صاحب یک سیاست شفاف رسانه‌ی در عرصه مبارزه با تروریسم نیست. این تنها مردم‌اند که در یک جنگ واضح با دشمن به‌سر می‌برند، اما سیاست رسمی دولت در این یک‌ونیم دهه در برابر دشمن گنگ بوده و رسانه‌ها هم به تاسی از چنین سیاستی، در سرگردانی قرار داشته‌اند.

این یک امر واضح است که در کشورهایی که گروه‌هایی را به نام تروریست یا دشمن نظام می‌شناسند، فعالیت‌های آن‌ها در رسانه‌های آن کشور بازتاب نمی‌یابد؛ اما در افغانستان متأسفانه رسانه‌ها حتا به بزرگ‌نمایی فعالیت‌های مخالفان نظام می‌پردازند. از طرف دیگر، تروریستان در کنار استفاده این‌چنینی از رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری، از رسانه‌های اجتماعی نیز استفاده می‌کنند. استفاده از رسانه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و تویتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی، امکان تبلیغات ارزان و ساده را برای تروریستان در هر جامعه‌ی از جمله افغانستان مساعد ساخته و آن‌ها از این طریق، فعالیت‌هایشان را بیشتر مورد توجه مردم قرار می‌دهند و برای ترویج ترس و وحشت، از این فضا سود می‌جویند. اما در برابر استفاده دولت از این رسانه‌ها به‌هدف حمایت و تقویت نیروهای امنیتی و تضعیف جنگ‌طلبان، بسیار اندک بوده است.

در افغانستان سال‌هاست که جنگ با طالب و ترور جریان دارد، ولی در این میان دولت‌مردان نتوانسته‌اند دیدگاه واحدی را در قبال طالبان ارایه دهند و این خود به گمراهی و سرگردانی رسانه‌ها و سودجویی طالبان انجامیده است. از طرف دیگر، بی‌تجربه‌گی و جوان بودن کارمندان رسانه‌ها، دلیل دیگری بر این شده که نشرات آن‌ها به‌ساده‌گی به سود نیروهای ضد آزادی بیان و ضد نظام تمام شود.

به هر صورت، حالا آن‌چه واضح است این‌که: دولت تا کنون دارای یک خط مشی خاص به‌هدف به‌کارگیری رسانه‌ها برای مبارزه با تروریسم نیست و باید در این زمینه سیاست‌گذاری صورت گیرد و از رسانه‌ها به عنوان یک ابزار مهم استفاده شود. دولت باید سیاستش در برابر طالب و تروریسم را مشخص کند و رسانه‌ها را به موضع‌گیری در برابر طالبان و هر گروه مخرب دیگر که خلاف دین اسلام عمل می‌کنند، تشویق کند. همچنین دولت باید برخی رسانه‌ها را که به گونه واضح به نفع دشمن کار می‌کنند، شناسایی و فعالیت‌شان را متوقف سازد و رسانه‌هایی را که سهواً به بزرگ‌نمایی فعالیت‌های تروریستان می‌پردازند، تذکر و هشدار دهد.

ادارات موازی باعث بیکاری مخفی، فساد و کاغذپرانی شده است

هارون مجیدی

ادارات موازی در افغانستان، ارایه خدمات از جانب حکومت را به کندی مواجه کرده و باعث ایجاد دردسر برای شهروندان و مصرف بیهوده بودیجه دولت شده است.

این ادارات در زمان حکومت حامد کرزی رییس جمهور پیشین بر بنیاد مصلحت‌های سیاسی و برای خوش نگه‌داشتن برخی از چهره‌های سیاسی ایجاد شد و سبب به میان آمدن بیکاری مخفی و افزایش فساد گسترده در درون حکومت گردیده است.

ریاست ارگان‌های محل، مشاوریت ارشد اقتصادی، وزارت تجارت، مالیه، اقتصاد، اداره آيسا، د افغانستان بانک، اتاق‌های تجارت و صنایع، کمیسیون اصلاحات اداری، پست نماینده ویژه رییس جمهور در امور اصلاحات و حکومت‌داری خوب، معینیت مبارزه با مواد مخدر در وزارت داخله، وزارت مبارزه با مواد مخدر، گارنیزون کابل، ریاست تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک و چندین اداره دیگر برای مبارزه با فساد اداری، از جمله ادارات و نهادهایی اند که با هم تداخل کاری دارند و موازی با هم دیگر کار می‌کنند.

رییس جمهور غنی در نخستین روزهای کاری خویش اعلام کرده بود که ادارات موازی را مدغم و یا کاملاً منحل می‌کند؛ اما او خلاف این تعهد خود شماری از اداره‌های تازه را که موازی با برخی نهادهای دیگر می‌باشد، تأسیس کرد.

هرچند او در نخستین روزهای نخست کارش، اداره امور و دارالانشای شورای وزیران را با ریاست دفتر خویش مدغم کرد.

هم اکنون، شماری از نهادها در دولت افغانستان با بودجه، تشکیل و برنامه‌های جداگانه، وظایف کاملاً مشابه و یکسان را به پیش می‌برند.

در سال‌های گذشته، انتقادهای گسترده‌یی در مورد تقابل قوا در سطح حکومت مطرح بود که به باور آگاهان این موضوع باعث شد که میلیون‌ها دالر کمک جهانی حیف



و میل شود و همچنان تفکیک صلاحیت‌ها و توزیع مسوولیت‌ها نیز به درستی صورت نگیرد.

آگاهان باور دارند که درهم تنیده‌گی و تشتت و پراکنده‌گی در اداره‌های دولتی سبب شده است که بروکراسی منفی، فساد و کاغذپرانی مفرط در اداره‌ها به وجود آید.

چرا ادارات موازی؟

محمد قربان حق جو رییس پیشین اتاق‌های تجارت و صنایع به روزنامه ماندگار می‌گوید: دولت افغانستان در چهارده سال گذشته فاقد استراتژی ساختاری برای اصلاح اداره و رفتن به طرف اداره کارا، موثر و کوچک بود که از آن طریق بتواند با توجه به شرایط موجود افغانستان، کارها را با انسجام بیشتر و دیدگاه واضح پیش ببرد.

آقای حق جومی‌گوید: «بیشتر آنچه که در چهارده سال گذشته برای اصلاحات در حکومت به میان آمد، واکنشی و در عین زمان سیاسی و مصلحتی بود تا به عنوان یک نیازمندی اداری و ساختاری.»

رییس پیشین اتاق‌های تجارت و صنایع تصریح می‌کند: تعداد نهادهای مختلف در یک بخش مشخص کاری باعث شد تا عدم هماهنگی و دیدگاه واحد را به میان آورد و تلاش شود افراد، احزاب و جریان‌هایی که موجود است، در کابینه کرسی داشته باشند، به همین دلیل شمار وزارت‌خانه‌ها زیاد شد.

آقای حق جو خاطر نشان می‌کند: ما در بخش انکشافی می‌توانستیم که وزارت‌خانه‌های مختلف را با هم مدغم سازیم. ما وزارت‌های اقتصاد، فواید عامه، ترانسپورت، تجارت را داشتیم؛ اما سر این‌ها اداره آيسا و ادارات

مختلف دیگر را نیز ایجاد کردند.

قربان حق جو تأکید می‌کند: «این نهادهای موازی سبب شده تا کار به صورت درست و هم‌آهنگ به پیش نرود و روحیه کار تیمی شکل نگیرد و این باعث شده تا تشکیلات دولت کلان شود و در نتیجه آن بروکراسی به وجود بیاید.

او گفت که نتیجه تعدد اداره‌های موازی چاق‌شدن فساد اداری بود؛ فساد سبب کندی کارها شد و اصلاحاتی را که مردم و دنیا انتظار داشتند، به میان نیامد و زیاد



شاهد بر هم زدن نظم اداری و پراکنده‌گی در اجراءات و تدوین پالیسی‌ها بودیم.»

آقای حق جو اذعان می‌دارد: در نتیجه ایجاد ادارات موازی یک نوع بیکاری پنهان در ادارات دولتی افغانستان به وجود آمده است. کسانی هستند که هیچ کاری را انجام نمی‌دهند، اما معاش می‌گیرند که شماری از آنها عامل فساد هم هستند.

در این حال، عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: کشوری که تازه از جنگ بیرون شود و دچار مشکلات امنیتی باشد، یکی از گزینه‌های دولت‌مردان آن جلب رضایت و قناعت طرف‌های مورد نظر است تا با ایجاد ادارات نمادین رضایت این چهره‌ها را با خود داشته باشند.

آقای منصور می‌افزاید: رییس جمهور پیشین در کنار ایجاد ادارت موازی، به خاطر راضی نگه‌داشتن چهره‌های با نفوذ، ده‌ها مشاور در کنار خود داشت که با هیچ کدام آن‌ها مشوره نمی‌کرد.

این عضو مجلس خاطر نشان می‌کند: «همین اکنون هم رییس جمهور و هم رییس اجرایی مشاورین متعددی را مقرر کرده‌اند؛ با شناختی که من از آقای غنی و عبدالله دارم، آن‌ها در هیچ زمینه‌یی با این مشاورین مشوره نخواهند کرد؛ شاید همین مشاورین هم در پی این باشند تا واسطه پیدا کنند و شخص اول را ببینند!»

آقای منصور می‌افزاید: در کشورهای نظیر افغانستان که ساختار دولت بزرگ است و هیچ شرکتی و یا نهادی که کار ایجاد کند، وجود ندارد، همه به دامن دولت چسبیده اند و دولت هم به‌خاطر حفظ این‌ها، ناگزیر است تا با نام‌های مختلف پست ایجاد کند و در نتیجه بیکاری پنهان را به وجود آورد.

این عضو مجلس تأکید می‌کند: جامعه جهانی که در مدت چهارده سال در کنار دولت افغانستان بوده، هیچ‌گونه برنامه‌یی برای توسعه اقتصادی و خودکفایی افغانستان نداشته است.

آقای منصور تصریح می‌کند که کشورهای جهان به ویژه ایالت متحده آمریکا برای نهادهای امنیتی میلیون‌ها دالر کمک کرده و می‌کنند، اما همین کمک‌ها را در بخش‌های اقتصادی، کشاورزی، صنعت و معادن نداشته اند.

در عین حال، نقیب‌الله فایق عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید: در سال‌های گذشته، به‌خاطر این‌که کارهای موقت و روزمره برای مردم ایجاد شود، نهادهای مختلف ایجاد شد.



آقای فایق می‌گوید: «خارج از دایره حکومت، در دفاتر خارجی هم چنین وضعیتی وجود دارد. چندین اداره برای مبارزه با مواد مخدر کار می‌کند و یا در بخش صحت می‌بینید که ادارات مختلفی برای صحت کار می‌کند که همه روزمره اند که مردم افغانستان را در این کارهای روزمره سرگردان کرده و بخش زیادی از پول‌های کمک شده در این ادارات به مصرف رسیده و به زیر بنا توجه نشده که امروز نیز با بیکاری روزافزون گرفتار هستیم.»

این عضو مجلس می‌گوید: حالا وقت تصفیه است. باید وارد هر وزارت شویم و نهادهای موازی را برداریم. برای مبارزه با فساد ما نیازمند اداره‌های مختلف نیستیم؛ تنها نهادهای مسوول نظیر نهادهای کشفی و امنیتی و دادستانی کل در این زمینه مسوولیت دارند.

او می‌گوید: «در بخش‌های اقتصادی ما وزارت اقتصاد، تجارت، مالیه، د افغانستان بانک، آيسا و اتاق‌های تجارت را داریم؛ وقتی کارتان به این نهادها می‌افتد با مشکلات زیادی مواجه می‌شوید، به عنوان نمونه، برای گرفتن یک جواز کار نیاز دارید تا از چندین نهاد امضا بگیرید و در بدل هر امضا پول بپردازید.»

این عضو تصریح می‌دارد: «حامد کرزی رییس جمهور پیشین، اداره ارگان‌های محل را بر اساس یک مصلحت ایجاد کرد و گفت که تعیین والیان و ولسوالان از توان وزارت داخله بالا است، چون این وزارت مصروف کارهای امنیتی است و باید اداره‌یی باشد که کارهای والیان، ولسوالان و شوراهای ولایتی را انسجام ببخشد؛ در حالی‌که از نظر قانون، شوراهای ولایتی باید با مجلس سنا ارتباط داشته باشد و هم‌چنان این ارگان تا هنوز هیچ والی را تعیین نکرده؛ بلکه والیان بر اساس فرمان رییس جمهور به کار گماشته می‌شوند.»

آقای فایق با اشاره به ایجاد چند نهاد موازی دیگر در زمان ریاست جمهوری محمد اشرف غنی می‌گوید: «مصلحت‌های انتخاباتی رییس جمهور غنی را وادار کرده تا در درون و بیرون ارگ نیز نهادهایی را بسازد که یکی از آن‌ها مشاوریت ارشد در بخش اقتصادی است که آقای زاخیلوال در رأس آن قرار دارد.»

آقای فایق با اشاره به کارکردهای مجلس نماینده‌گان در این زمینه می‌گوید: مجلس نماینده‌گان به هیچ کدام



از ادارات موازی موافق نیست و رأی نداده؛ مجلس مصوبه داد که ریاست ارگان‌های محل که یکی از ادارات کلان است باید لغو شود.

در این حال، عزیز رفیعی رییس جامعه مدنی افغانستان می‌گوید: از دیر باز سامانه اداری افغانستان ضرورت به یک بازنگری جدی داشته و دارد.

او می‌گوید: «یکی از وعده‌های درشت آقای غنی و آقای عبدالله در زمان کارزارهای انتخاباتی‌شان همین بود که ساختار اداری حکومت افغانستان را بازنگری کرده و کوشش می‌کنند تا تمامی نهادهای موازی را که نه تنها باعث پیشرفت کار نمی‌شود بلکه باعث ایجاد دوگانگی کاری نیز می‌شود، از بین ببرند و کار را موثر بسازند که متأسفانه عمر دولت وحدت ملی تا این دم نشان داد که هیچ‌گونه اراده‌یی برای انجام این اصلاحات وجود ندارد و چندین ساختار موازی دیگر نیز ایجاد شده است.»

رییس مجما با اشاره به تورم ادارات دولتی افغانستان می‌گوید که این وضعیت منجر شده تا کاری که باید در یک روز به انجام برسد ماه‌ها زمان می‌برد تا متقاضی کارش تکمیل شود.

چه باید کرد؟

محمد قربان حق جو رییس پیشین اتاق‌های تجارت و صنایع با بیان این‌که ادارات موازی باعث یک نوع پراکنده‌گی هم در سطح تدوین اولویت‌ها و هم در سطح اجراءات و نظارت بر اجراءات و تطبیق آن توسط نهادها و ساختارهای اداری شده است، می‌گوید:

«کمک‌های دنیا هر روز کم شده می‌رود و بودجه دولت افغانستان با مشکل روبرو است که تا دو سال دیگر دولت افغانستان باید بکوشد تا روی پای خود بایستد، بازنگری در ساختار اداری حکومت افغانستان یکی از اولویت‌هاست که باید دولت آن را روی دست گیرد و لازمه این کار این است که یک‌بار دیگر ۵۲ نهاد واحد بودجه‌یی دولت را روی میز بگذاریم و از این میان که ۲۷ وزارت است و باقی ریاست‌ها و ادارات مستقل است، ببینیم که کدام ساحات میان این‌ها مشترک است و ما چطور می‌توانیم این‌ها را با هم‌دیگر مدغم سازیم.»



آقای حق جو تصریح می‌کند: فکر می‌کنم بسیاری از وزارت‌خانه‌ها در نتیجه ادغام می‌تواند به یک وزارت قوی و موثر تبدیل شود و بعضی از ریاست‌های مستقل نیز باید یکی شوند که جلو کلان‌شدن دولت باید گرفته شود و خدمت‌رسانی ساده و موثر برای شهروندان صورت گیرد.

آقای حق جو تأکید می‌کند: بهتر است که دولت با ساده‌سازی پروسیجرها و آوردن شفافیت، جلو فساد را بگیرد؛ رشد انکشافی توسعه داده شود تا در نتیجه آن فرصت‌های کاری داخلی و خارجی به میان می‌آید و برای همه شهروندان شغل و کارهای دوام‌دار ایجاد شود.

هم‌چنان، نقیب‌الله فایق عضو مجلس نماینده‌گان از رهبری دولت وحدت ملی می‌خواهد که به مصوبات پیشین مجلس نماینده‌گان توجه کنند که در آن‌ها خواهان لغو اداره ارگان‌های محل و برخی اداره‌های موازی دیگر شده اند.

آقای فایق می‌افزاید: ما نیز در داخل مجلس تلاش می‌کنیم تا روی طرح‌هایی کار کنیم تا رهبری دولت وحدت ملی اداره‌های موازی و به درد نخور را از میان بردارد.

اقدامات دولت

سید حسین آقا فاضل سانچارکی مشاور فرهنگی و رسانه‌یی ریاست اجرایی می‌گوید: یکی از اهداف اصلی دولت وحدت ملی، کارآمد ساختن سیستم اداری افغانستان است؛ این سیستم زمانی می‌تواند کارآمد باشد که از حالت تورم و گسترده‌گی خارج شود و یک نظام نسبتاً کوچک و کارا برای خدمت رسانی موثر ایجاد شود.

آقای سانچارکی تأکید می‌کند: «اراده اساسی در دولت از میان برداشتن این ادارات است و این کار نیاز به زمان بیشتر دارد؛ مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته و ما قدم به قدم به این مسأله می‌پردازیم و ادارات موازی را از میان خواهیم برد.»

نتیجه گیری: ایجاد تشکیلات جدید در دولت، در هر زمینه‌یی نیازمند بودجه، امکانات و منابع بشری است. در حالی‌که دولت افغانستان با مشکل بودجه مواجه است، ساخت چنین اداراتی، باعث واردشدن فشار بر بودجه ملی کشور شده است.

این در حالی است که کشورها و نهادهای کمک کننده از کاهش کمک‌های خود به افغانستان سخن زده و دولت باید تا دو سال دیگر بودجه خود را از مراجع داخلی تمویل کند.

تنها راهی که دولت می‌تواند در بودجه خود کاهش به میان آورد، از میان برداشتن ادارات موازی در ساختار اداری افغانستان است. در عین حال، ایجاد شفافیت و مبارزه با فساد با موجودیت این اداره‌های موازی امکان پذیر نیست.

بخش نخست

بخش سی و یکم

پایان بازی



فہیم دشتنی

بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد. این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای آمار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارائه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

تصور حاکم بر اکثریت افغانستانی‌ها این است که یکی از اهداف داعش بی‌ثبات‌سازی آسیای میانه به منظور به چالش کشیدن منافع روسیه در این کشورهاست. هواداران این طرز فکر، داعش را بیشتر یک طرح آمریکایی می‌دانند و باور دارند که آمریکا از این گروه در کنار بی‌ثبات ساختن شرق میانه، برای ایجاد در دسره‌های تازه به روسیه هم استفاده می‌برد. برخی‌ها هم بدین باور هستند که حرکت داعش به سوی آسیای میانه، از آن‌جا که مردمان این کشورها از حکومت‌های‌شان ناراض هستند، زمینه‌های مساعد دارد و در واقع داعش این حرکت را به هدف گسترش خلافتی که ادعا دارد، انجام می‌دهد.

با توجه به آن‌چه در تاریخ معاصر افغانستان گذشته و تجربه‌هایی که افغانستانی‌ها از حضور ارتش سرخ، مداخلات همسایه‌گان، حاکمیت طالبان و ادامه فعالیت‌های تروریستی و حضور قدرتمندترین ارتش‌های جهان دارند، نگرانی‌ها در مورد داعش، موجه به نظر می‌رسد؛ اما توجه و دقت به چند نکته دیگر، تصویر واضح‌تری از داعش، فعالیت‌ها و اهداف آن می‌تواند به دست دهد.

پس از آن‌که بهار عربی با سرعت و بدون این‌که هیچ گلی را به بار بیاورد، به زمستان عربی بدل شد و چندین کشور عربی، درگیر جنگ‌های گسترده شدند، گروهی در عراق ظهور کرد که نام خود را گذاشت "دولت اسلامی عراق و شام" و بعدها دعوی احیای خلافت اسلامی را هم بالا کرد.

بسیاری از اطلاعات - اطلاعاتی که عمدتاً از منابع غربی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و پنهان و آشکار بیرون داده می‌شود - در مورد داعش، بر این تیوری استوار است که داعش

باقی‌مانده حزب بحث عراق و ارتش صدام است که در واکنش به قدرت گرفتن حلقه‌های تشیع در عراق و سرکوب‌های قومی و مذهبی، به میدان پریده است.

این هم روشن است که ظهور داعش مانند ظهور طالبان در افغانستان، به یک‌باره‌گی و بی هیچ پیشینه‌ای، انجام شد؛ ظهوری سماری! حالا حتا اگر پذیرفته شود که داعش بقایای حزب بحث و ارتش صدام و سنی‌های ناراض عراقی و سوری است، امکانات و ظرفیت‌هایی را که این نیرو دارد، بی هیچ تردیدی این پرسش را به بار می‌آورد که این امکانات و تجهیزات از کجا شد و چگونه در اختیار داعش قرار گرفت.

حتا اگر تیوری توطیه را کنار بگذاریم، شماری از مقامات کشورهای رقیب آمریکا، از جمله روسیه، به تکرار گفته‌اند که آمریکا عمداً به دنبال برهم زدن ثبات در خاورمیانه است.

به این ترتیب، اگر بپذیریم که داعش یک جنبش خودجوش است یا یک گروه ساخته شده با اهداف مشخص و سازنده‌گان پشت پرده، باید به چند نکته توجه داشته باشیم:

- ثبات در خاورمیانه برای یک مدت طولانی، به دلیل حمایت آمریکا و متحدینش حفظ شده و هر گاهی که این ثبات با خطر مواجه گردیده (حمله صدام به کویت یا شورش‌های بحرین که به وسیله سربازان سعودی سرکوب شد، یا حتا قبل از آن در رابطه با درگیری اعراب و اسرائیل)، عامل حفظ ثبات در منطقه همان غربی‌ها بوده‌اند.

- اراده غربی‌ها برای حفظ ثبات در خاورمیانه دلایل خاص خود را دارد و بر مبنای علاقه‌مندی به حفظ جان و مال اعراب نبوده است؛ بلکه به ذخایر نفتی این حوزه، تأمین امنیت اسرائیل، استفاده از اعراب در برابر کشورهای نظیر ایران و مسایل دیگری از این قبیل، پیوند داشته است.

- با وجود این‌که سرمایه‌های اعراب ارقام نجومی دارد، هیچ کدام از کشورهای عربی، قادر به خود کفایی اقتصادی نشده و از بسیاری جهات وابسته به حامیان غربی‌شان هستند.

- وابستگی غرب به اعراب (اگر این را وابستگی قبول کنیم) تنها به ذخایر نفتی و به دست آوردن پول‌های کلان از فروش اسلحه به این کشورها خلاصه می‌شود.

حالا که جهان عرب با بحران‌های کلان و بی‌ثباتی در حال گسترش مواجه است، این حالت به چه میزانی می‌تواند منافع آمریکا و متحدین اروپایی‌اش را با خطر مواجه سازد؟ یک پاسخ ساده، «هیچ» است.

- در حال حاضر و با گسترش ناامنی‌ها در خاورمیانه، قیمت نفت به پایین‌ترین سطح خود

در چند دهه اخیر رسیده و این قیمت پایین، بی‌تردید به سود کشورهای بزرگ جهان است که بیشترین مصرف نفت را دارند.

- دامنه‌دار شدن جنگ در خاورمیانه، بازارهای فروش اسلحه را سخت گرم خواهد ساخت. در چند دهه گذشته، کشورهای عربی، به‌ویژه پولدارترین‌های آن تا توانستند اسلحه خریدند. سعودی در سال گذشته، عنوان بزرگ‌ترین خریدار اسلحه را به دست آورد. در صورت ثبات خاورمیانه و کشورهای عربی شمال افریقا، نیاز به اسلحه جدید یا منتفی می‌شود یا هم شدیداً کاهش می‌یابد، در حالی که بی‌ثباتی در این منطقه برعکس، به سود تولیدکننده‌گان و فروشنده‌گان اسلحه است.

نیاز به اسلحه تنها به دولت‌های این کشورها خلاصه نمی‌شود، مخالفین این دولت چه داعش باشند یا گروه‌های شیعی یمن یا قبایل مختلف لیبی، به اسلحه نیاز دارند و این اسلحه را از تولیدکننده‌گانی چون آمریکا، فرانسه، بریتانیا، روسیه و حتا چین به دست می‌آورند.

- تلاش‌های آمریکا و متحدینش برای رفع موانع روابط با ایران نیز در جریان است و در صورتی که توافقات هسته‌یی میان دو طرف نهایی شود، دیگر تهدیدی از ایران متوجه غربی‌ها نخواهد بود تا به مهره‌های بازدارنده‌ای چون اعراب در برابر ایران نیاز باشد.

- در حالی که سود ثبات خاورمیانه و کشورهای عربی شمال افریقا را همواره غربی‌ها برده‌اند، سود بی‌ثباتی این منطقه به کشورهای دیگری نظیر روسیه و چین هم می‌رسد، چون حداقل در بازارهای فروش اسلحه سهم بیشتری به دست می‌آورند.

- اروپا یک سود دیگر هم از این بحران می‌برد. در یک دهه اخیر میزان افراط‌گرایی در میان جوانان مسلمانی که در کشورهای مختلف اروپایی اقامت دارند یا شهروندان همان کشورها هستند، به شدت افزایش یافته است. در این جریان بارها حوادثی به دست این جوانان در اروپا خلق شده و امنیت روانی را در میان شهروندان اروپایی برهم زده است. (در کشورهای پیشرفته که امنیت فیزیکی کامل در آن‌ها برقرار است، امنیت روانی ارزش بسیار دارد.)

حالا تعداد زیادی از این جوانان به سوی خاورمیانه سرازیر شده و در تشکیلات داعش جذب می‌شوند و این به معنای کاهش دردسر کشورهای اروپایی از ناحیه تهدیدهای بالقوه و بالفعلی است که از حضور این جوانان در اروپا می‌تواند متصور باشد. این تقریباً همان سناریوی فرستادن اعراب به جنگ افغانستان در دهه‌های هشتاد و نود است.



دردهای شکم را

جدی بگیرید!

بسیاری از ما ممکن است در طول روز با دردهایی در ناحیه شکم و اطراف آن مواجه شویم که آن را چندان جدی نگرفته و از مراجعه به پزشک نیز غفلت کنیم. اما این غفلت در درازمدت صدمات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت که البته می‌تواند در همان ابتدای ابتلا، به سادگی درمان و کنترل شود. در ادامه با تعدادی از این دردهای مهم شکمی آشنا می‌شویم.

التهاب کیسه صفرا

این التهاب ممکن است با عفونت خود را نشان دهد؛ در صورت تشدید التهاب کیسه صفرا، ممکن است قسمتی از جدار آن پاره شده و ترشحات در فضای شکم پخش شود. در این حالت بیمار درد را در تمام شکم احساس می‌کند. در بیش از ۹۵ درصد موارد، وجود سنگ صفرا علت التهاب است اما در مواردی که سنگ وجود نداشته باشد، علت‌های میکروبی و ویروسی یا بیماری‌هایی مثل نارسایی قلبی هم می‌تواند التهاب کیسه صفرا را به وجود آورد. این مشکل و درد اگر به موقع درمان نشود، می‌تواند به مرگ فردی که دچار التهاب کیسه صفراست، منجر شود. التهاب کیسه صفرا معمولاً در افراد بالای ۴۰ سال، خانم‌ها، افراد چاق و آن‌هایی که سابقه خانوادگی دارند، شایع‌تر است.

دردهای پانکراس یا پانکراتیت

این بیماری همراه با درد شدید و آزار و اذیت بیمار شروع می‌شود که باید به سرعت تشخیص داده شود. علائم پانکراتیت ممکن است به صورت دردهای مداوم یا متناوب در ناحیه فوقانی شکم احساس شوند که این دردها در صورت غذا خوردن تشدید می‌شوند. این علائم که با تهوع و اسهال چرب همراه هستند، با عللی مثل بیماری‌های مجاری صفراوی، سنگ کیسه صفرا، مصرف بعضی داروها و وجود برخی عفونت‌ها ایجاد و تشدید می‌شوند.

زخم اثنی عشر

با درد شدید شروع می‌شود. اثنی عشر نیز مانند دیگر اعضای بدن زخم می‌شود و شایع‌ترین علامت زخم اثنی عشر در قسمت فوقانی شکم و پایین جناق سینه است که اغلب با گرسنگی تشدید شده و با مصرف غذا به طور موقت بهبود می‌یابد. درد زخم اثنی عشر می‌تواند به پشت هم تیر بکشد. یکی از مشخصه‌های درد زخم اثنی عشر، دوره‌یی یا فصلی بودن آن است، به طوری که ممکن است برای چند هفته و هر روز درد وجود داشته باشد و به دنبال آن، برای چند ماه خود به خود برطرف شود، اما دوباره عود کند.

منبع: مجله سب سبز

هوشمندان و احمقانه نقد و بررسی فیلم Lucy اثر لوک بسون



که در آن شخصیت اصلی در دست شویی یک هواپیما پنهان شده است و ناگهان به ذرات بخار تبدیل می‌شود، شباهت زیادی به افکتی (جلوه‌ی) دیده می‌شود که به کرات در فیلم «زیر پوست» به کار رفته است و در زمره یکی از عجیب‌ترین صحنه‌های سال قرار می‌گیرد. نهایتاً، بسون در یافتن لحظات پرتنش نسبت به در آمیختن آن‌ها با هم موفق‌تر است؛ اما انکار تخیل دیوانه‌وارش نیز امری غیرممکن است. لحظات مختلف فیلم مملو از احتمالات چندپاره هستند و هر چند وقت یک بار گذری به فیلم‌هایی چون مجموعه «Crank» و «۲۰۰۱: یک اديسه فضایی / ۲۰۰۱: A Space Odyssey» و «ماتریکس / The Matrix» می‌زند؛ با این‌که هرگز به بزرگی آن‌ها نمی‌رسد، اما به قدر ذره‌ی از DNA هر یک را دارد.

با نزدیک شدن «لوسی» به اوج خود، فیلم به جای داشتن یک پایان منظم با مجموعه‌ی از شاه‌بیت‌های بصری همراه می‌شود. در حماقت ذاتی فیلم جای هیچ سوالی نیست، اما بسون به هر حال فیلم را دوست داشتی و غیرمنتظره از آب درآورده و یک پادزهر احمقانه را به فیلم‌های احمقانه‌ی که حتا به خود زحمت متفاوت بودن را نمی‌دهند، تزریق می‌کند.

«لوسی» فیلمی یک‌پارچه نیست، اما بسون به کمک نوآوری درخشانش سعی می‌کند تا رنگ و لعابی تازه بر این فرمول بزند. «لوسی» از آن فیلم‌ها شلخته بی‌قید و بندی است که دوست داریم استودیوهای فیلم‌سازی بیشتر برای مان بسازند.

مترجم: محمدرضا سیلوی
منبع: مد و م

در برجسته کردن جنبه‌ی زیبایی یک بازی ویدیویی، از یک بازی ویدیویی هم بیشتر پیش می‌رود. لوسی تنها با تکان دادن دستش، دمار از روزگار گروهی از مهاجمان درمی‌آورد و بعد عده‌ی دیگر را از زمین بلند می‌کند که نتایج جالبی دارد.

اما او نه تنها در این بازی ویدیویی فوق‌العاده حرفه‌ی است، بلکه کد میان‌بر نهایی را نیز یافته است؛ این شخصیت به قدری قدرت‌مند است که هرگز واقعا به خطر نمی‌افتد و این مانع از ایجاد هرگونه حس تعلیق واقعی در فیلم می‌شود. مفهوم اساسی فیلم بسون همچنان به قدری واهی و پوچ است که «لوسی» هرگز در متعجب ساختن‌تان کم نمی‌آورد. تنها مولفه قابل پیش‌بینی فیلم «زنانه‌گی افسون‌گر» یا همان «Femle / Fatale» بودن است، درون‌مایه‌ی که در تمامی فیلم‌های بسون از زمان ساخت «دختری به نام نیکیتا / La Femme Nikita» در دهه ۱۹۹۰ تاکنون دیده می‌شود.

با اجرای هیجان‌انگیز جوهانسن، تصویر زنی سرسخت که مردان قدرت‌مند اطراف خود را شکست می‌دهد، ابعاد کامیک بوکی به خود می‌گیرد. «لوسی» علاوه بر معرفی یک زن ابرقهرمان - چیزی که هنوز پدیده‌ی نادر است - شخصیتی مشابه با نقش قدرت‌طلب جوهانسن در فیلم «زیر پوست / Under the Skin» جاناتان گلیزر ارایه می‌نماید، که در آن جوهانسن نقش یک بیگانه فضایی اغواگر را بازی می‌کند که کارش صید مردان است.

در هر دو فیلم جوهانسن به موجودی فرازمینی تبدیل می‌شود که دارای حواس خارجی است و این اشتیاق وی به استفاده منحصراً به فرد از ویژه‌گی‌های فیزیکی‌اش را اثبات می‌کند. در نمایی از فیلم «لوسی»

نماهایی از یوزپلنگی که مشغول به دام انداختن شکار خود است کات می‌زند - به فیلم احمقانه‌ی تبدیل می‌شود که به تدریج منطق روایی خود را از دست می‌دهد.

لوسی با مشت و لگد راه خود را به سمت آزادی باز می‌کند، پزشکی را پیدا می‌کند تا شرایطش را برایش توضیح دهد و با گروه‌های جنایت‌کار دیگر می‌جنگد تا به فریمن برسد و برداشته‌های خود از زنده‌گی، گیتی و همه چیز را با او به اشتراک بگذارد.

جنون محضی که بسون در نبردهای انفرادی به نمایش می‌گذارد، فیلم را مضحک‌تر می‌سازد. در لحظات واپسین، کل پروژۀ ظاهراً صرفاً به نور و صدا و اکشن تنزل می‌یابد، به گونه‌ی که حتا خود بسون هم نمی‌تواند داستانی را که در ذهن داشته است روایت کند.

تا رسیدن به آن نقطه، فیلم پُر است از لحظه‌های دیوانه‌بازی لذتبخش. وقتی که لوسی به زور اسلحه یک جراح را وادار می‌کند که مواد مخدر را از شکمش خارج کند، تصادفاً در حین عمل جراحی به مادرش زنگ می‌زند و به حد کافی باهوش است که شدت درد را با صورت خود نشان دهد. او یک پولیس متحیر را می‌بوسد تا صرفاً وجود عشق را به خود یادآوری کند. در یکی از صحنه‌های تیراندازی پایان فیلم که بی‌دلیل در رابطه با موشک‌اندازها و یک محیط سفید خالی است، به یاد فیلم «THX-۱۱۳۸» جرج لوکاس محصول سال ۱۹۷۱ می‌افتیم. در طول تمام این اتفاقات، نوشته‌های داخل فیلم سیر تکامل قدرت مغز لوسی را به صورت ۱۰ درصد ۱۰ درصد دنبال می‌کنند به گونه‌ی که گویی او مراحل مختلف یک بازی ویدیویی را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. در واقع فیلم با روایت خود

«لوسی / Lucy» ساخته لوک بسون - که در آن اسکارتلت جوهانسن نقش ابرزنی را ایفا می‌کند که قادر است به وسیله ذهن تقویت‌شده‌اش (با کمک علم) خارق‌العاده عمل کند - موضوعی تقریباً متقاعدکننده را مطرح می‌کند. بسون، که از زمان ساخت «عامل پنجم / The Fifth Element» در سال ۱۹۹۷ فیلم اکشن چشم‌گیر دیگری را کارگردانی نکرده است، این بار نیز حقیقتاً به فرم باز نمی‌گردد، بلکه اثری شلخته را ارایه می‌دهد، در حالی که جوهانسن متعهد نیز نقش یک نیروی یگانه‌ساز را در مرکز این دیوانه‌گی ایفا می‌کند.

گرچه فیلم‌نامه بسون ناشیانه با ایده‌های بزرگی درباره تاریخ بیداری بشر بازی می‌کند، داستان فیلم ساده است: لوسی (با بازی جوهانسن) که ساکن تاییه است، توافق می‌کند به نیابت از نامزدش، که خیلی زود کشته می‌شود، بستگی را به خلاف‌کارها تحویل دهد. او که توسط انسان‌های بدکار اسیر شده است، به زور تن به یک عمل جراحی می‌دهد که در جریان آن، یک بسته مواد مخدر داخل شکمش قرار داده می‌شود با این امید که با این کار او را به یک حامل مواد تبدیل کنند. در عوض، وقتی که این پاکت تصادفاً پاره می‌شود، لوسی نیروی آن مواد را جذب می‌کند. این صحنه‌ها مرتب با کات‌هایی از یک سخنرانی توسط یک استاد روان‌شناسی (با بازی مورگان فریمن) درباره قابلیت‌های دست نخورده ذهن بشر همراه هستند: بر اساس این سخنرانی، ما تنها از ۱٪ مغزمان استفاده می‌کنیم! حال اگر بتوانیم از تمام قدرت مغز استفاده کنیم، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ با آبی شدن رنگ چشمان لوسی، ما نیز به پاسخ پرسش‌مان می‌رسیم.

و این جاست که «لوسی» از یک فیلم احمقانه آشکار - وقتی که ابتدای فیلم لوسی دستگیر می‌شود، بسون به

شعری از زبانی احمدی

ابرخیالم می‌دود در آسمان تو
تا ماه نه، تا آن نگاه مهربان تو
شب گوشه‌ی ساکت نشسته گوش بسپارد
قدری به غوغای سحر، پشت لبان تو
لب باز کن؛ این آسمان خورشید می‌خواهد
این آسمان خورشید می‌خواهد به جان تو!
بگذار راحت‌تر بگویم از تو، بهتر نیست؟
شعری که باشد هم‌زبان و هم‌زمان تو
شعری که حتا ذره‌ی اهل تعارف نیست
ساده است مثل شاعر بی‌خانمان تو
لب باز کن؛ هر جمله‌ات قندان لب‌ریزی است
ای چای تلخ من، سکوت ناگهان تو!
آری، حسودی کرده‌ام هر شب به فنجانت
هر صبح حسرت خورده‌ام بر استکان تو
حتا الفبا هم به لبهای تو مدیون است
از بس به لب آورده آن‌ها را زبان تو
حرفی بزن تا پشت شعرم را بلرزانی
تا وایماند شاعرت در داستان تو
...
باد آمده تا وضع‌مان پیچیده‌تر باشد
پیچیده جای دست من در گیسوان تو
- ای کاش باران هم بیاید



جهان

«حکومت وحدت ملی» و شهکار «دولت سرپرستی»!

علی پارسا

هنوز سروصدای حضور پُرننگ نظام سرپرستی در دو قوه مجریه و قضاییه نخواستیده که باید ذهن‌ها را برای نخستین نظام سرپرستی در قوه مقننه کشور آماده کرد. حالا دیگر از برکت حکومت وحدت ملی، باید شاهد ظهور دولتی سرپرستی باشیم که در آن نه تنها برخی از اعضای کابینه آن همچنان سرپرست چوکی خود به شمار می‌روند، بلکه اعضای دادگاه عالی آن به عنوان عالی‌ترین رکن قضایی کشور از یک‌سو، و اعضای مجلس نمایندگان به عنوان عمده‌ترین رکن تقنینی آن هم با کرسی‌هایی که بر آن برچسب «سرپرستی» زده شده است، دولت را لنگان‌لنگان به پیش می‌برند.

سرپرستی شدن کار مجلس نمایندگان، همان مرجع دانستن «بد» از «بدر» و یا به اصطلاح دفع افسد به فاسد است. با توجه به اصل تفکیک قوا که از شالوده‌های هر نظام دموکراتیک است، حضور و استمرار سه قوه مستقل، از پیش‌نیازهای تحقق یک دولت مبتنی بر دموکراسی است. در نتیجه نمی‌توان در دولت کنونی افغانستان هم بدون موجودیت بازوی تقنینی، دولت دموکراتیکی متصور شد. به این ترتیب باید گفت که تداوم دوره مجلس کنونی با همه‌ا ما و اگرهای حقوقی‌یی که دارد، از نظر سیاسی از سر ناگزیری یک ضرورت غیرقابل انکار است.



بکشیم. تداوم کار چندماهه و یا یک‌ساله این مجلس هرچند شاید به‌ظاهر بسیار هم قابل نگرانی نباشد، اما از آن‌جا که در این حکومت بدعت‌پیشه، بار دیگر باب بدعت سیئه و عدول از قانون اساسی را می‌گشاید، به گونه جدی قابل نگرانی است.

به هر حال اگر در شرایط کنونی، حتا اگر بالاجبار و از سر ناگزیری مجبور شویم به گزینه دوم یعنی تداوم کار مجلس کنونی رای دهیم، بازهم نباید با گذار از این بن‌بست، همچنان با خیال راحت همه چیز را فراموش کرد و منتظر کار شروع‌نشده کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی نشست. بلکه سران حکومت وحدت ملی به عنوان مسوولان اصلی این وضعیت اسفبار مکلف‌اند که در قبال مردم و جامعه پاسخگو باشند. اشرف غنی و دکتر عبدالله باید علت این نقض صریح قانون اساسی و چالش‌آفرینی را به گونه واضح بیان کنند و به همه مردم کشور وعده بدهند تا در زودترین زمان ممکن موانع اصلی بر سر راه تطبیق قانون اساسی را برمی‌دارند.

اگر عدم برگزاری انتخابات، یک مورد نقض قانون اساسی بود و اگر تداوم کار این مجلس، مورد دیگر نقض قانون اساسی به شمار می‌آید، شکی نیست که بازه زمانی تداوم غیرقانونی کار این مجلس هم مهم است؛ درست همان‌طور که خلاف قوانین ترافیکی رفتار کردن هرچند امری مذموم به شمار می‌آید، اما تداوم و اصرار بر نقض این قوانین، خود بر قباح و زشتی آن می‌افزاید. حالا اگر مثلاً قرار باشد این مجلس به گونه غیرقانونی فقط سه ماه دیگر به کار خود ادامه بدهد، بسیار بهتر و ایده‌آل‌تر است از آن‌که به گفته یکی از نمایندگان مجلس ۴۰ سال دیگر به عمر آن افزوده شود.

به این ترتیب، رئیس‌جمهور غنی و رئیس اجرایی باید بدانند که آنچه امروز پیش آمده و به‌نحوی جامعه را به تب گرفتار کرده است، برآیند مستقیم ناکارایی و بی‌کفایتی آن دو است که بدون شک ثبت تاریخ خواهد شد. با وجود این، اگر این هر دو رهبر حکومت وحدت ملی به فکر آبرو خریدن برای خود در پیشگاه مردم و تاریخ کشور هستند، بدون شک عمر سرپرستی در نظام بدیع‌شان را کمی کوتاه‌تر قیچی می‌کنند تا اگر گرهی از کار جامعه نمی‌گشایند، لاف‌لاف سنگی هم پیش پای آن نیندازند.

رسیده، باید با نمایندگان کنونی وداع گفت-هرچند که حتا از نظر قانونی هم پایان کار مجلس به گونه تلویحی منوط به برگزاری انتخابات و اعلان به‌موقع نتایج آن است. در چنین حالتی حالا که انتخاباتی برگزار نشده، اگر اول سرطان را روز وداع با مجلس بدانیم، شکی نیست که این روز، روز وداع با نظام دموکراتیک کنونی هم خواهد بود؛ زیرا هیچ دموکراسی‌یی را نمی‌توان بدون نظام تفکیک قوا حتا به عالم خیال راه داد.

به این ترتیب دیده می‌شود که راه حل اول هرچند محال نیست، اما به گونه حتم به بستن شیرازه دولت خواهد انجامید و پس از آن دیگر نمی‌توان دم از دموکراسی و حتا دولت مدرن زد. راه حل دوم، استمرار بخشیدن به کار نمایندگان کنونی است که هرچند این گزینه هم به گونه صریح سبب قربانی شدن قانون اساسی می‌شود، اما ناگزیر برای دفع افسد به فاسد لازم است که بار دیگر برای پیشگیری از بحران، این شوکران را هم سر

جست‌وجو کرد. اگر با تداوم کار مجلس نمایندگان کنونی، قانون اساسی زیر پا گذاشته می‌شود، بازهم نباید فراموش کرد که چنین پیشامدی برآیند کار کمیسیون‌های انتخاباتی و حکومت وحدت ملی است که توان برپایی یک انتخابات سالم و شفاف در میعاد تعیین‌شده آن را ندارند. پس اگر قرار است که انگشت انتقادی هم به سمتی دراز شود، آن انگشت بی‌مهابا باید به سمت سران حکومت وحدت ملی و کمیسیون منفور انتخاباتی نشانه رود.

حالا که با ناکارآمدی کمیسیون انتخاباتی و از سر بی‌پروایی حکومت پُرتنش وحدت ملی، انتخابات در زمان آن برگزار نشده و حتا قرار نیست به این زودی‌ها هم انتخاباتی برگزار شود، راه حل چیست... شاید به صورت کلی نتوان بیش از دو حالت برای اوضاع کنونی متصور شد؛ در حالت نخست با پافشاری بر روی قانون اساسی بگوییم که چون میعاد کاری مجلس به پایان

اگر واقع‌بینانه بنگریم، در شرایط کنونی راه‌های عملی و ممکن بسیاری برای عبور از بن‌بست دستگاه تقنینی کشور نداریم. از یک‌سو موعد قانونی کار مجلس به پایان رسیده و از سوی دیگر هنوز که هنوز است، هیچ خبری از انتخابات پارلمانی در کشور نداریم. به این ترتیب، با عدم برگزاری انتخابات به‌هنگام پارلمانی، خود به خود روند نقض و عدول از قانون اساسی آغاز شد. با زیر پا گذاشته شدن مفاد قانون مادر پس از طفره رفتن از انتخابات، بدیهی است که سایر مفاد دیگر این قانون هم مانند دانه‌های دومینو یکی‌یکی مورد تعرض قرار خواهد گرفت و در نتیجه ما شاهد روند مستمر نقض قانون اساسی خواهیم بود.

در نتیجه باید گفت به جای سبک سنگین کردن بحث تداوم بخشیدن به کار مجلس کنونی با ترازوی قانون اساسی، ابتدا باید به یک قدم پیشتر آن رجوع کرد و علل و عوامل این نقض گستاخانه را از سرچشمه‌ها

کمک بانک جهانی برای شفافیت در گمرک‌های افغانستان



بانک جهانی کمک بدون بازپرداخت به ارزش ۲۱.۵ میلیون دالر را به هدف شفافیت در کار گمرک‌ها، در اختیار دولت افغانستان قرار داده است.

اجمل عبدالرحیم‌زی، سخنگوی وزارت مالیه به بی‌بی‌سی گفت که قرار است این پول در زمینه تقویت حکومت الکترونیک، زیرساخت‌ها و بالا بردن ظرفیت در گمرک‌های افغانستان به مصرف برسد. آقای عبدالرحیم‌زی توضیح داد: «این کمک ۲۱.۵ میلیون دالر آمریکایی است که در بخش تکنولوژی، زیربنا و منابع بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عرصه تقویت سیستم اسبیکودا در گمرک‌های سرحدی و داخلی استفاده می‌شود.»

نوسازی و ساخت زیربنای جدید گمرک افغانستان به مصرف می‌رسد و برای بهبود مکانیسم همکاری‌ها میان ادارات گمرکی کشورهای همسایه نیز در نظر گرفته خواهد شد.

بانک جهانی حدود هفتاد میلیون دالر را در هفت سال گذشته در بخش ظرفیت‌سازی در گمرک‌های افغانستان مصرف کرده است. سخنگوی وزارت مالیه گفت که قرار بود این پروژه بانک جهانی در آخر ماه جون به پایان برسد، اما با اعلام کمک جدید این برنامه برای هجده ماه دیگر تمدید شد.

دولت افغانستان دو هفته پیش اعلام کرد که برای جلوگیری از فساد در گمرک‌ها و تسریع کار بازرگانان، پرداخت عوارض گمرکی را الکترونیک ساخته است. مرحله آزمایشی این برنامه از گمرک کابل و فرودگاه بین‌المللی کابل راه اندازی شده است.

او افزود: «سیستم اسبیکودا سیستم کامپیوتری است که باعث ایجاد شفافیت در گمرک‌های افغانستان می‌شود. امروز اگر یک موتر (خودرو) وارد گمرک تورخم شود، به کمک این سیستم و تکنولوژی - که تمام گمرک‌های افغانستان با هم وصل هستند - با خبر می‌شوند که موتر داخل گمرک افغانستان شد.» سخنگوی وزارت مالیه افغانستان گفت: «همچنین این کمک‌ها در ادامه بازسازی،

جمهور رئیس غنی د علماو د سراسري شورا له رئیس او غرو سره وکتل



ساتونکي بللي او په ټول افغان ولس يې غږ کړی دی چې له خپلو امنیتي او دفاعي ځواکونو سره اوږه په اوږه په هېواد کې د امنیت د ټینګښت لپاره پراخې هلې ځلې وکړي.

جمهور رئیس محمد اشرف غني د افغانستان د عالمانو د سراسري شورا له غړو څخه مننه وکړه چې د انبیاوو د وارثانو په توګه یې تل له ملي او اسلامي ارزښتونو څخه ساتنه کړې ده او ولس یې په تیارو کې له تګ څخه منع او په نیکه لاره تلو ته یې رهنمایی کړی دی.

جمهور رئیس غني د هېواد له دیني عالمانو وغوښتل چې د اسلام د سپیڅلي دین په رڼا کې د جوماتونو د منبرونو له لارې خلکو ته د سولې د فضیلت او ارزښت په باب په دوامدار ډول پراخ معلومات ورکړي او د سولې په بهیر کې ګډون ته یې راوبولي.

جمهور رئیس محمد اشرف غني ټینګار وکړ هر هغه څوک چې افغان دی او افغانستان مني د سولې د ټینګښت په موخه باید مذاکرې ته حاضر شي.

د افغانستان د اسلامي جمهوریت جمهور رئیس محمد اشرف غني د هېواد د علماوو د سراسري شورا له رئیس او غړو سره وکتل.

په دغه کتنه کې چې پروت په ارګ کې ترسره شوه، د افغانستان د علماوو د سراسري شورا اعلامیه د دغې شورا د غړي مولوي عطا الله لودین لخوا ولوستل شوه.

د عالمانو سراسري شورا پخپله اعلامیه کې له ټولو چاپي، غږیزو او انځوریزو رسنیو څخه غوښتي دي چې د روژې د مبارکې میاشتې فضائل او احکام خپاره او له هر ډول مبتدلو خپرونو څخه ډډه وکړي.

د هېواد د عالمانو سراسري شورا په خپله اعلامیه کې د سولې ټینګښت د لوی خدای امر، د نبی کریم صلی الله علیه وسلم ارشاد او د افغانستان د مسلمان ملت حیاتي او اساسي اړتیا بللې او د افغانستان په ټولو علمای کرامو، قومي مشرانو، مجاهدینو او مدني ټولنو یې غږ کړی دی چې هرڅوک په خپل وار او تر خپلې وسې د روغې جوړې لپاره هلې ځلې وکړي.

د عالمانو شورا، د افغانستان ملي امنیتي او دفاعي ځواکونه د خپل هېواد د ملي حاکمیت، ځمکنۍ بشپړتیا او د ملي نوامیسو



تیم ملی فوتبال را نجات دهید



از بازیکنانی که از بیرون دعوت شده‌اند، شایسته‌گی ترکیب اصلی را دارند، اما در میان آن‌ها برخی دیگر نباید حتا به تیم ملی دعوت می‌شدند. در بازی مقابل سوریه دیدیم که یکی از مدافعان، زمینه‌ساز دو گول سوریه شد. در میان بازیکنان داخلی، برخی چهره‌هایی وجود دارند که به درد تیم ملی می‌خورند. اما آن‌ها به دلیل این‌که زبان مربی آلمانی را نمی‌دانند، در ترکیب اصلی تیم ملی جای نگرفتند!

نتیجه

فوتبال بازی قلب‌هاست. برخی از کشورها هویت و اعتبار جهانی خویش را مدیون فوتبال هستند. فوتبال امروز از یک بازی ورزشی، پا فراتر نهاده و به سیاست و اقتصاد تبدیل شده است. نبرد اخیر قدرت‌های جهان بر سر ریاست فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، به خوبی اهمیت این رشته ورزشی را بازگو می‌کند.

اگر تیم ملی افغانستان با وضعیت کنونی به پیش برود، انتظاری بیش از شکست سنگین نمی‌توان از این تیم داشت.

در شرایطی که تیم‌های دیگر به پیش می‌روند، تیم فوتبال افغانستان از یک سال بدین سو «عقب‌گرد» داشته است.

پیشنهادها

دولت افغانستان با درک اهمیت فوتبال در دنیای امروز، برای برگرداندن شادی به خانه‌های مردم و اداره ورزش کشور، باید دست به چند اقدام اساسی بزند:

- ۱- در گام نخست، باید قناعت بازیکنان مستعفی تیم ملی برای برگشت به این تیم فراهم شود.
- ۲- یوسف کارگر سرمربی پیشین تیم ملی باید برای احیای جایگاه از دست رفته تیم ملی برگردانده شود.
- ۳- اصلاحات عمیق در سطوح مدیریتی فدراسیون فوتبال به میان آید.
- ۴- سرمایه‌گذاری لازم باید در عرصه فوتبال صورت گیرد.
- ۵- به فوتبال پایه باید به گونه جدی توجه شود.
- ۶- بودجه اداره ورزش به صورت کل و به ویژه فدراسیون فوتبال افزایش یابد.

دست به اقداماتی زد که شیرازه تیم ملی را فرو پاشاند. در نخستین روزهای آغاز به کار اسلکزچ، دست‌کم شش بازیکن معروف تیم ملی از جمله اسلام‌الدین امیری کاپیتان تیم ملی، بلال آرزو، مجتبی فیض، رفیع بارکزی، امرالدین شریفی، فرزاد عطایی و حشمت‌الله بارکزی از تیم ملی خداحافظی کردند. این بازیکن‌ها به ویژه اسلام‌الدین امیری و بلال آرزو نقش برجسته‌یی در پیروزی‌های افغانستان داشتند. شاید مبالغه نباشد که اسلام‌الدین امیری را بهترین مدافع و بازیکن تیم ملی فوتبال کشور بدانیم. فدراسیون فوتبال و مربیان این تیم کوچکترین اعتنایی به استعفا این بازیکنان نکرد و آن‌ها در بازی‌های اخیر تیم ملی حضور نداشتند.

اتکای بیش از حد به بازیکنان اروپایی و امریکایی

سرمربی تازه تیم ملی، با نادیده گرفتن بازیکنان داخلی، توجه ویژه‌یی به بازیکنانی که از اروپا و امریکا به تیم ملی دعوت شده‌اند، دارد. تا حدی که در ترکیب تیم ملی در برابر لائوس، بنگلادیش و سوریه، تمامی بازیکنان، افغان‌های مقیم اروپا بودند. درست است که شماری

او بود که افغانستان صاحب یک جایزه معتبر فیفا شد. او شناخت کاملی از بازیکنان تیم ملی داشت و یک ترکیب مناسب و موثر را در این تیم ساخته بود. اما به دلایلی یوسف کارگر از تیم کنار گذاشته شد. ظاهراً پس از حمله به جان آقای کارگر و جراحت شدید او از ناحیه سر، دیگر آقای کارگر قادر به پیش بردن تیم ملی فوتبال نشد و در بازی‌های چلنج کپ آسیا تیم ملی را همراهی نتوانست و شاید به همین دلیل، تیم افغانستان در این دوره از مسابقات نتوانست قهرمان شود. تا اکنون مشخص نگردیده که آقای کارگر چه‌گونه و به وسیله چه کسانی هدف قرار گرفت. شاید در کشور قدرشناس ما، زحمات و تلاش‌های او را را برای سربلندی و نیک‌نامی افغانستان، با مشت و لگد پاسخ دادند!

مربی‌یی که از تیم ملی آگاهی نداشت!

فدراسیون فوتبال افغانستان، اسلوان اسلکزچ را جانشین یوسف کارگر کرد. این مربی نه چندان معروف آلمانی به دلیل ناآشنایی با تیم ملی فوتبال افغانستان،

جمشید یم

تیم فوتبال افغانستان روز پنج‌شنبه در یک بازی ناامیدکننده، شش بر صفر از تیم سوریه شکست خورد. در این بازی که در ورزشگاه مشهد ایران برگزار شده بود، تیم فوتبال افغانستان به دلیل اشتباهات کادر فنی از جمله مربی این تیم، این شکست سنگین را در برابر چشمان هزاران هوادار خود متحمل شد.

در سال‌های پسین، تیم فوتبال افغانستان رشد سریع و قابل ملاحظه داشته است. تیمی که پنج سالی از ایجادش نمی‌گذشت، به یک‌باره‌گی نایب‌قهرمان و قهرمان جنوب آسیا شد؛ قهرمانی‌یی که میلیون‌ها شهروند این کشور را غرق در شادی کرد. اما دیری نگذشت که این تیم از روند رو به رشدش باز ماند.

عمده‌ترین دلایل افت تیم ملی

بحران مدیریتی در نهاد ورزش افغانستان

اداره ورزش افغانستان از فساد و بی‌عدالتی گسترده رنج می‌برد. اختلافات درون‌سازمانی از یک‌سو و تلاش برای به جیب زدن پول ورزشکاران از سوی دیگر، این نهاد مهم را فلج کرده است. به همین دلیل، ما هر از گاهی شاهد کشمکش‌ها و بروز اختلافات در این نهاد هستیم. تا اکنون وظایف کمیته ملی المپیک و اداره تربیت بدنی مشخص نگردیده است. در فدراسیون فوتبال هم ضعف مدیریت و ناکارایی بیداد می‌کند. چندتن معدود از سال‌ها بدین‌سو این فدراسیون را گروگان گرفته‌اند و هرچه دل‌شان خواست، انجام می‌دهند. این نهاد کمک‌های کلان فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال) و یوفا (فدراسیون فوتبال اروپا) را دریافت کرد؛ اما حد اقل یک ورزشگاه معیاری که گنجایش ده هزار تماشاگر را داشته باشد، ساخت. ورزشگاه‌هایی که هم ساخته شده، تا اکنون به بهره‌برداری سپرده نشده است.

کنار گذاشتن یوسف کارگر

کنار رفتن یوسف کارگر سرمربی کهنه‌کار و محبوب تیم ملی فوتبال افغانستان، عمده‌ترین دلیل شکست‌های پی‌هم این تیم در بازی‌های اخیر می‌باشد. یوسف کارگر برای تیم ملی افغانستان دست‌آوردهای چشم‌گیری داشت. او تیم ملی افغانستان را «جهانی» ساخت. برای نخستین بار در نتیجه زحمات و تلاش‌های شباروزی

آغاز کوپا آمه ریکا با برد چیلی میزبان

میزبان کوپا آمه ریکا در اولین دیدار این جام توانست با دو گل اکوادور را از پیش روی برداشت. به گزارش ایسنا، رقابت های کوپا آمه ریکا از بامداد دیروز (جمعه) با برگزاری یک دیدار آغاز شد که در آن چیلی میزبان این دوره از رقابت‌ها با دو گل از سد اکوادور گذشت. در این دیدار نیمه نخست بدون رد و بدل شدن گلی به پایان رسید ولی این چیلی میزبان بود که بازی بهتری را به نمایش گذاشت و چند موقعیت گل روی دروازه حریف ایجاد کرد. آرتورو ویدال بهترین بازیکن این نیمه قرمزها بود. در دقیقه ۶۷، چیلی از روی نقطه پنالتی توسط ویدال به گل رسید تا جریان بازی کمی عوض شود. در یان صحنه روی یک حرکت از دومینگوئز و ویدال، بازیکن طرح یوونتوس در محوطه جریمه با خطا متوقف شد تا داور نقطه پنالتی را نشان دهد. ضربه پنالتی را ویدال به گوشه سمت راست دروازه فرستاد تا چیلی در این دیدار با یک گل جلو بیافتد. پس از این گل نیز بار دیگر چیلی توپ و میدان را در اختیار گرفت. در دقیقه ۸۴ آلکسیس سانچس با یک پاس عالی، ادواردو وارگاس را در موقعیت گلزنی قرار داد و این بازیکن نیز به زیبایی دروازه اکوادور را برای بار دوم باز کرد تا این دیدار با برتری ۲ بر صفر چیلی به پایان برسد.



هرچه دارم از بارسلونا دارم

مسی:



هیچ تیمی به من پیشنهاد نمی‌داد، این بارسلونا بود که همه چیز را در اختیار من قرار داد و من به این تیم پیوستم. هیچ وقت به این فکر نکردم که در تیمی دیگر بازی کنم و تا زمانی که مسئولان بارسلونا بخواهند در این تیم بازی می‌کنم.

لیونل مسی این فصل در ۵۷ بازی با بارسلونا موفق شد ۵۸ گل به ثمر برساند و تیمش را به ۳ عنوان قهرمانی برساند. اوج شاهکار این بازی به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان برابر بایرن‌مونخ بر می‌گردد که به زیبایی بوآتنگ را از سر راه برداشت و دروازه بایرن را باز کرد.

او در پایان درباره نمایش زیبای خود در این فصل گفت: هر وقت گل می‌زنم تمام بازیکنان بارسا به سرعت نزد من می‌آیند و تبریک می‌گویند. حقیقت این است که بدون حضور بازیکنانی که در تیم داریم، نمی‌توانیم این نمایش را داشته باشیم. شما همیشه باید به این فکر کنید که گلزنی کنید ولی در عین حال همه چیز در فوتبال گلزنی نیست. مثلاً لوئیس سوارس در ابتدای فصل گل‌های زیادی به ثمر نرساند ولی تلاش زیادی کرد و توانست خود را به این سطح برساند. آرژانتین در اولین دیدار خود در کوپا آمه ریکا برابر پاراگوئه به میدان خواهد رفت.

لیونل مسی با اعلام اینکه تا هز زمان که مسئولان بارسلونا بخواهد در این تیم می‌ماند عنوان کرد که هیچ وقت تحت تاثیر کارهایی که کریس رونالدو انجام می‌دهد قرار نمی‌گیرد.

لیونل مسی بعد از فصل پرفشاری که پشت سر گذاشت، این‌بار همراه تیم ملی کشورش در رقابت‌های کوپا آمه ریکا قرار دارد و می‌خواهد پس از سال‌ها تیم ملی کشورش را به قهرمانی در این رقابت‌ها برساند.

رقابت کریستیانو رونالدو و لیونل مسی در سال‌های اخیر باعث شده تا وقتی پای رقابت‌های باشگاهی نیز در میان نیست، خبرنگاران از مسی درباره این رقابت سوال کنند. این دو بازیکن ۷ توپ طلای فوتبال جهان را به خود اختصاص دادند. لیونل مسی در گفت‌وگو با رسانه‌های

آرژانتینی درباره این رقابت گفت: من و رونالدو هیچ رقابتی با هم نداریم. این چیزی است که فقط رسانه‌ها آن را اختراع کردند و به آن دامن می‌زنند. من و رونالدو تنها سعی می‌کنیم برای تیم‌مان مفید باشیم. هیچ وقت من و او با هم رقابتی نداشتیم.

لیونل مسی در نوجوانی در حالی که پیشنهاد پیوستن به آرسنال را داشت به بارسلونا پیوست و در این تیم تبدیل به بازیکن بزرگی شد که خیلی‌ها او را با مارادونا

مقایسه می‌کنند.

او درباره رفتن به بارسلونا گفت: سخت است بگویم که اگر به آرسنال می‌رفتم شرایط چه می‌شد. قطعاً شرایط درسی من اگر به آرسنال می‌رفتم فرق می‌کرد و انسان متفاوتی نسبت به آنچه در اسپانیا هستم، می‌شدم ولی این را نیز باید در نظر گرفت که لیگ برتر حساسیت زیادی دارد و لیگ رقابتی‌تر است. از طرفی این را به خوبی می‌دانم که هر چه دارم از بارسلونا دارم. وقتی

اشتون کارتر:

امریکا خواهان همکاری نظامی پایدار با چین است



این کشور بود. همچنین قرار است فان چانگ‌لونگ با برخی دیگر از مقام‌های امریکایی از جمله سوزان رایس، مشاور امنیت ملی دولت اوباما دیدار کند.

وزیر دفاع امریکا در ملاقات با یک جنرال ارشد چین بر درخواست واشنگتن مبنی بر توقف مناقشات ارضی در منطقه دریای چین جنوبی تأکید کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، اشتون کارتر، وزیر دفاع امریکا با جنرال فان چانگ‌لونگ، معاون کمیسیون نظامی مرکزی چین دیدار کرد. در این دیدار وزیر دفاع امریکا بر تعهد کشورش در قبال ایجاد رابطه نظامی پایدار با چین تأکید کرد. پنتاگون به نقل از وزیر دفاع امریکا اعلام کرد، واشنگتن متمایل است که این روابط بر مبنای تمایل مشترک در راستای تعمیق همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف باشد. کارتر با اشاره به نگرانی‌های امریکا درباره تنش‌ها در دریای چین جنوبی خواهان آن شد که چین و دیگر کشورهای منطقه از نظامی‌سازی مناطق مورد مناقشه پرهیز نموده و راهکاری مسالمت‌آمیز مطابق با قوانین بین‌المللی در پیش گیرد. وزیر دفاع امریکا همچنین تأکید کرد که کشورش به دنبال آن است تا یادداشت تفاهمی را با هدف جلوگیری از تنش‌ها در عملیات‌های هوایی با چین امضا کند.

سفر معاون کمیسیون نظامی مرکزی چین به امریکا شامل دیدار با وزیر دفاع

اردوغان:

غربی‌ها «تروریست‌های کرد» را تقویت می‌کنند

رجب طیب اردوغان در نخستین سخنرانی خود پس از انتخابات پارلمانی، خواستار تشکیل هر چه سریع‌تر دولت شد و با برگزاری یک انتخابات جدید مخالفت کرد. وی روز پنج‌شنبه در جمع دانشجویان در آنکارا گفت که باید «خودخواهی را کنار گذاشت» و هر چه سریع‌تر دولت جدید را تشکیل داد.

رئیس‌جمهوری ترکیه همچنین با تأکید بر پشتیبانی از فلسطین تأکید کرد: سیاست‌های خارجی ما هرگز تغییر نمی‌کند و ما همواره حامی و پشتیبان مظلومان جهان خواهیم بود. یاری مظلومان جهان به‌ویژه در فلسطین و عراق برای ما یک افتخار بزرگ است.

وی نظام کنونی جهانی را «غیر عادل» توصیف کرد و گفت که متأسفانه ثروت‌های کشورهای فقیر استخراج و در اختیار کشورهای قدرتمند دنیا قرار می‌گیرد. رئیس‌جمهوری ترکیه اظهار داشت: آموزش ایتم و فقرا در ترکیه و بازگرداندن آن‌ها به کشورهاشان برای ما یک افتخار است.

از سوی دیگر، اردوغان امروز (جمعه) به دعوت الهام علی‌اف، همتای خود از جمهوری آذربایجان برای شرکت در مراسم نخستین بازی‌های اروپایی به باکو سفر می‌کند. سفر اردوغان به جمهوری آذربایجان در زمانی صورت می‌گیرد که کشورش با بی‌ثباتی سیاسی به دنبال ناکامی حزب حاکم عدالت و توسعه در به دست آوردن اکثریت پارلمان مواجه است.

حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردوغان پس از ۱۲ سال یکه‌تازی در عرصه سیاست داخلی، در جریان انتخابات پارلمانی از کسب اکثریت مطلق آرا بازماند و حال مجبور به تشکیل ائتلاف در ساختار دولت جدید است. احزابی که عدالت و توسعه می‌تواند با آنان ائتلاف تشکیل دهد، حزب تدروری راستگرای «حرکت ملی‌گرا» (MHP) یا حزب «جمهوری‌خواه مردم» (CHP) است.

حزب چپ‌گرای دموکراتیک مردم که حوزه نفوذش در مناطق شرقی و کردنشین است، تشکیل هرگونه ائتلاف با حزب حاکم را قاطعانه رد کرده است. از آنجا که هیچ‌کدام از احزاب یاد شده تمایلی به ائتلاف با حزب اسلامگرا و محافظه‌کار عدالت و توسعه ندارند، هم‌اینک مسئله تشکیل دولت به مهم‌ترین معضل رجب طیب اردوغان بدل شده است.

روزنامه حریت چاپ ترکیه گزارش داد که حزب دموکراتیک مردم حتی به دنبال تشکیل ائتلافی بدون حضور حزب عدالت و توسعه است.

صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر این حزب به اردوغان هشدار داده است که «مرزهای قانون اساسی» را رعایت کند. وی در مقابل اضافه کرده است که «درهای این حزب به روی دیگر احزاب باز است». دمیرتاش همچنین آمادگی خود را برای پایان دادن به درگیری میان کردهای ساکن ترکیه در شرق کشور با دولت که سابقه‌ای چند ده ساله دارد، اعلام کرده است.

حزب «عدالت و توسعه» چنانچه نتواند یک شریک ائتلافی پیدا کند، نمی‌تواند اکثریت پارلمان را در اختیار داشته باشد. این حزب در انتخابات پارلمانی روز یکشنبه (هفتم جون) توانست تنها ۴۱ درصد آرا را به خود اختصاص دهد.



رئیس‌جمهوری ترکیه در جمع دانشجویان خارجی با انتقاد از کشورهای غربی گفت، آنها ترکمان‌ها و عرب‌های سوریه را بمباران می‌کنند و در عین حال «تروریست‌های کرد را تقویت می‌کنند که دارند جای ترکمان‌ها و عرب‌ها را می‌گیرند. به گزارش پایگاه خبری دوپچه وله، دولت ترکیه و گروه‌های ملی‌گرای این کشور از موفقیت‌های نیروهای کرد در سوریه راضی نیستند.

این اولین حضور عمومی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه پس از انتخابات پارلمانی این کشور بوده است که در آن حزب عدالت و توسعه به رهبری وی اکثریت را پس از ۱۳ سال از دست داده و حزب چپگرای دموکراتیک مردم که هواداران زیادی میان کردها دارد، برای اولین بار توانسته است به پارلمان راه یابد.

اردوغان در سخنان خود اثربخشی کمپین ضد داعش را زیر سوال برد و گفت که غرب «تروریست‌های کرد» را حمایت می‌کند. وی در ادامه از احزاب ترکیه خواست که «خودپرستی را کنار بگذارند» و هرچه زودتر دولت تشکیل دهند.

حزب عدالت و توسعه با وجود اینکه بیشترین کرسی‌ها را به دست آورده، برای تشکیل کابینه به ائتلاف با دیگر احزاب نیاز دارد؛ هرچند تاکنون هیچ یک از سه حزب دیگر برای ائتلاف با حزب اردوغان اعلام آمادگی نکرده‌اند.

اردوغان گفت که هیچ مساله سیاسی‌ای نباید دستاوردهای ترکیه را به خطر بیندازد و تاریخ درباره کسانی که ترکیه را در برزخ رها کنند، قضاوت خواهد کرد. وی وعده داد که به عنوان رئیس‌جمهور از تمام اختیارات قانونی برای یافتن راهی برای تشکیل دولت استفاده کند.

وی گفت: تمامی احزاب سیاسی باید به نتیجه انتخابات پارلمانی روز یکشنبه به عنوان خواسته مردم احترام بگذارند. افرادی که آرزوی آشوب در ترکیه را داشتند، ناامید شدند و این بدان معناست که ما در مسیر درست قرار داریم. مسئولیت من به عنوان رئیس‌جمهوری منتخب ترکیه در حال حاضر بسیار بزرگتر است و من این مساله را می‌دانم. توطئه‌های دشمنان علیه ترکیه به شکست کشیده شد. هجمه و تبلیغات منفی رسانه‌های غربی ثابت می‌کند که ما راه صحیح را انتخاب کرده‌ایم.

جسد طارق عزیز ناپدید شد



خانواده طارق عزیز که هفته گذشته در زندانی در عراق درگذشت اعلام کردند که جسد وی در حال انتقال به اردن برای تدفین، در بغداد روبرو شده است. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز، زینب عزیز، دختر طارق عزیز، وزیر خارجه سابق عراق و معاون صدام اعلام کرد که جسد پدرش روز پنجشنبه در فرودگاه بغداد روبرو و ناپدید شده است. زینب ادامه داد که تا این لحظه اطلاع دقیقی از جسد پدرش ندارد.

یک مسوول اردنی به شرط عدم افشای نامش گفت: جسد عزیز از بغداد خارج شده است.

طارق عزیز که یکی از برجسته ترین معاونان صدام بود، روز جمعه در حالی که در زندانی در ناصریه در انتظار اجرای حکم اعدام خود بود، درگذشت.

زید علی عباس، رئیس پزشکی قانونی عراق گفت: نتایج کالبد شکافی نشان می‌دهد که وی به دلیل مشکل قلبی در گذشته است.

همکاری‌های نظامی_ دفاعی

روسیه و پاکستان گسترش می‌یابد

هیئت نظامی مسکو در دیدار از راولپندی در حالی با مقامات پاکستان گسترش روابط نظامی دوجانبه را بررسی کردند که چندی قبل وزیر دفاع روسیه برای تبادل نظر در مورد همکاری‌های دفاعی و فروش تجهیزات نظامی نیز به پاکستان سفر کرده بود.

ولزینسکی اندری اولگیتوف مدیر نیروهای مسلح روسیه در سفر به راولپندی با جنرال راشد محمود رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان در مورد چگونگی گسترش همکاری‌های نظامی و دفاعی گفت‌وگو کرد.

مقامات نظامی روسیه و پاکستان در دفتر مرکزی ارتش پاکستان در شهر راولپندی دیدار کردند.

مقامات نظامی روسیه و پاکستان علاوه بر گسترش همکاری‌های نظامی و دفاعی دوجانبه، اوضاع امنیتی منطقه را نیز بررسی کردند.

این در حالی است که «سرگئی شویگو» وزیر دفاع روسیه نیز چندی قبل برای رایزنی در مورد تقویت همکاری‌های نظامی و گفت‌وگو با مقامات پاکستانی برای توقف چند ساعته به اسلام آباد سفر کرده بود.

وزیر دفاع روسیه در ملاقات با مقامات پاکستانی در مورد همکاری‌های دفاعی و فروش تجهیزات نظامی به این کشور تبادل نظر کرد.

هند در تحولات اخیر جنوب آسیا خود را به آمریکا و رژیم صهیونیستی نزدیک کرده است و پاکستان نیز برای افزایش همکاری با چین تلاش می‌کند. این در حالی است که روسیه نیز به دلیل تنش با آمریکا و اروپا در مورد بحران «اوکراین» برای همکاری‌های بیشتر با پاکستان و چین تلاش می‌کند.